



امام حسین(ع) برای رهایی دین الهی از اسارت امویان کوشید

هر اندیشمند مسلمانی که با تاریخ عاشورا سروکار داشته است به فراخور فهم و برداشت خویش از این واقعه، درباره قیام کربلا و اهداف آن سخن گفته است.

هر اندیشمند مسلمانی که با تاریخ عاشورا سروکار داشته است به فراخور فهم و برداشت خویش از این واقعه، درباره قیام کربلا و اهداف آن سخن گفته است.

خبرگزاری مهر - گروه دین و آئین: از زمانی که قیام سیدالشهدا (علیه السلام) سوال هایی در میان نخبگان و اندیشمندان و حتی مردم عادی مطرح بوده است که، انگیزه اصلی امام حسین (ع) از اقدام به چنین کاری چه بوده است؟ آیا دعوت مردم کوفه فلسفه قیام آن حضرت بوده، یا قیام امام (ع) علت دعوت کوفیان؟ آیا برقراری حکومتی اسلامی به شیوه امام علی (ع) علت اصلی و غایت نهایی این نهضت بوده است یا ایجاد اصلاحات و تغییرهای محدود در ساختار حکومت اسلامی هم می توانست هدف امام (ع) را تأمین کند؟ این پرسش ها و مانند آنها، هر کدام حاکی از نگرش ها و دیدگاه های خاص افراد به این حادثه است. با عنایت به چنین واکنش های گوناگون از زمان وقوع این حادثه تا به امروز، هر اندیشمند مسلمانی که با تاریخ عاشورا سروکار داشته است، به فراخور فهم و برداشت خویش از این واقعه، درباره قیام کربلا و اهداف آن، سخن گفته است. خبرگزاری مهر به مناسبت ایام سوگواری سید و سالار شهیدان در محرم ۱۴۰۰ شمسی، به بازخوانی اندیشه های اندیشمندان مسلمانی نظیر آیت الله خامنه ای، علامه محمدتقی جعفری، آیت الله جوادی آملی، امام موسی صدر، شهید دکتر بهشتی، شهید سید محمدباقر صدر، آیت الله سید محمود طالقانی، شهید دکتر محمدجواد باهنر، آیت الله صفایی حائری، دکتر سید جعفر شهیدی، شهید عبدالکریم هاشمی نژاد، آیت الله مصباح یزدی و... خواهد پرداخت.

بخش دوم این سلسله مطالب مربوط به مباحث عاشورایی آیت الله عبدالله جوادی آملی با عنوان شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی است که در ادامه می خوانید:

اقدامات اساسی امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام برای رهایی دین الهی از اسارت امویان کوشید تا معرفت مردم را در زمینه دین گسترش دهد، از این رو به گسترش معارف توحیدی پرداخت و مردم را به عبادت آگاهانه دعوت کرد.

سالار شهیدان علیه السلام هدف آفرینش انسان را چنین ترسیم فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْتَبُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ: خدای سبحان انسان ها را برای شناخت خود آفریده است. انسانی که خدا را شناخت او را عبادت می کند و انسانی که خدا را عبادت کند، از پرستش غیر او بی نیاز می شود.» [۱]

امام حسین علیه السلام برای رهایی دین الهی از اسارت امویان کوشید تا معرفت مردم را در زمینه دین گسترش دهد، از این رو به گسترش معارف توحیدی پرداخت و مردم را به عبادت آگاهانه دعوت کرد

معنای سخن امام علیه السلام این نیست که انسان خدا را بشناسد و نماز بخواند و روزه بگیرد و دیگر هیچ. اینها گوشه ای از معنای عبادت حقیقی هستند. عبادت در ژرفای معارف عقلی و اعتقادی و اوصاف اخلاقی تا همه شئون عادی و معنوی زندگانی جاری است.

امام علیه السلام با سخنانی از این دست، انسان ها را به پرستش آگاهانه فراخواند تا در همه امور زندگی خویش پیرو دین باشند.

فرا رسیدن قیام

پس از مرگ معاویه، یزید بر تخت سلطنت نشست. او جوانی خام، سبک سر و همواره در پی خوش گذرانی و میگساری بود. بی پروایی او در زیر پا نهادن احکام اسلام و آشکار ساختن مفاسدش، مردم را اندکی از ریاکاری و بی دینی امویان آگاه کرد و بهترین

زمان برای قیام دینی فرا رسید. امام حسین علیه السلام با همه مخالفت هایی که با تصمیم ایشان در باره مبارزه با یزید شد، تصمیم خود برای ایستادگی در برابر یزید گرفته بودند، از این رو وقتی محمد حنفیه آن حضرت را از شرایط نامساعد و بحرانی آگاه کرد، امام در پاسخ فرمودند:

«والله لو لم يكن لي ملجأ و لا مأوى لما بايعت يزيديين معاوية: به خدا اگر در مشرق و مغرب گیتی و شمال و جنوب آن هم برایم پناهگاه و جای امنی وجود نداشته باشد، هرگز با این حکومت ننگین سازش نخواهم کرد» [۲]

همچنین در پیشنهاد ولید در باره بیعت با یزید فرمودند: «يزيد رجل، فاسق، شارب الخمر قاتل النفس المحرمة معلن بالفسق و مثلي لا يباع مثله: یزید شخصی است فاسق شرابخوار و آدمکش، متظاهر به فسق. مثل ما با چنین کسی بیعت نخواهد کرد.» [۳]

در اینجا سخن از شخص یزید نیست، بلکه چنین اندیشه ای با اندیشه حسینی سازگاری ندارد. بیعت یعنی فروختن. موحدی که جان و مالش را به خدا فروخته باشد، با دشمن خدا معامله نمی کند. سالار شهیدان علیه السلام در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم نیز فرمود:

«على الاسلام السلام اذ قد بليت الأمة براعه مثل يزيدي: وقتی مردم دچار زمامداری چون یزید شوند باید با اسلام بدرود گفت. [۴]، یعنی هر کسی اندیشه علمی و انگیزه عملی او مثل من است، با حکومت سلطه و ظلم کنار نمی آید.

امام حسین علیه السلام وارث پیامبران

امام حسین علیه السلام وارث پیامبران الهی و نهضت او دنباله و همسو با نهضت آنان است. همان طور که انبیا برای شکوفایی عقل انسانی مبعوث شده اند، امام حسین علیه السلام نیز به همین منظور قیام کرد، از این رو قیام به نتایج متعدد منجر شد که به طور خلاصه به آنها اشاره می شود:

۱- احیای انگیزه عاشقانه

سالار شهیدان اندیشه مردم را با انگیزه عاشقانه هماهنگ و عقل جهان بینی را در پرتو نور عشق احیا کرد. کسی که رهبری خویش را به دست توانای عشق می دهد، مست شراب ناب توحید می شود و در راه انجام فرمان های الهی، همه دشواری ها و خطرها را به جان می خرد.

عقل کسی که گرفتار بدمستی شده و زمام کار را به دست شبهه و شهوت سپرده، در حالت انخساف است و حق را نمی فهمد، ولی عقل کسی که شیدای حق و عاشق او شد، تحت الشعاع نور عشق قرار می گیرد و مرکز خورشید فروزان عشق، عقل را زیر پای خویش محو و نابود می کند.

۲- احیای عزت و کرامت

در زمان امام حسین علیه السلام فضائل اخلاقی در زنجیر اسارت خاندان اموی بود. امام با نهضت خود این گره ها را از دست و پای دین باز کرد و فصل تازه ای از معارف و اخلاق الهی را به روی جامعه بشری گشود و شرافت و کرامت انسان را به او یادآور شد.

۳- اقامه نماز در اول وقت

امام حسین علیه السلام در نامه ای به مردم کوفه نوشتند: «قَابَ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّتَتْ، وَإِنَّ الْيَدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ؛ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نابود شده و بدعت ها رواج یافته اند.» [۵]

آن حضرت با قیام خونین خود احکام و حدود الهی را احیا و نماز را اقامه کرد و اقامه نماز به معرفت و خلوص و ادای آن در ابتدای وقت است.

با توجه به اینکه انبیا برای شکوفایی عقل انسانی مبعوث شده اند و در طول تاریخ قدرت هایی بوده اند که مانع رشد عقلی مردم می شدند، آنها پی در پی می آمدند تا این موانع را برطرف کنند. امویان نیز با اقدامات ظالمانه خود همین کار را کردند و امام حسین علیه السلام با قیامش به مردم توجه داد که بنی امیه به حق عمل نمی کنند و کسی که به حق عمل نمی کند، به کمال عقل نمی رسد. جوامعی هم که به حق عمل نمی کنند به کمال عقل نمی رسند، زیرا کمال عقل در پرتو پیروی از حق تحقق پیدا می کند و این کار در شرایطی مانند حاکمیت ظالمان از جمله اموی ها با احیای عشق و عزت و اقامه نماز محقق می

شود. امام حسین علیه السلام عاشقانه و عزتمندانه و با اقامه نماز بر این هدف جامه عمل پوشاند.

پی نوشت ها:

[۱] بحار ج ۵ ص ۳۱۲

[۲] بحار ج ۴۴ ص ۳۳۹

[۳] همان ۳۱۵

[۴] الفتنوح ج ۵ ص ۱۷

[۵] کلمات الامام حسین علیه السلام ص ۳۱۵